

خوانش گفتمانی از مناقشات امر جنسی در ایران

سهیلا صادقی فسایی^{۱*}، ابوالفضل اقبالی^۲

چکیده

عرصه سیاست‌گذاری امر جنسی در ایران محل مناقشه نظری دو رویکرد عمده است. مقاله حاضر درصدد ارائه یک صورت‌بندی گفتمانی از مناقشات نظری این دو رویکرد در جامعه ایرانی است. در این پژوهش، از روش تحلیل گفتمانی فرکلاف و لاکلا و موف به صورت ترکیبی بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که رویکرد اول با ابتدا بر مبانی دینی، ایده تربیت جنسی با محوریت اخلاق جنسی را پیگیری می‌کند و مفاهیمی چون هویت جنسی، ازدواج آسان و بهنگام، حجاب و خویش‌داری و... را در زیست جنسی جامعه ایرانی بر ساخت و امر جنسی را در شبکه‌ای از عناصر زیستی و فرهنگی مطالعه می‌کند که در آن گاهی مواجهه با امر جنسی نه تنها زدودن ابهام، بلکه حتی افزودن بر آن نیز هست. رویکرد دوم نیز با ابتدا بر ادبیات لیبرالیستی جامعه بین‌المللی بر ضرورت آموزش جنسی با محوریت دانش و آگاهی جنسی تأکید دارد و دال‌ها و مفاهیمی چون تمایز همجنس‌گرایی و همجنس‌بازی، احترام به حقوق اقلیت‌های جنسی، تمایز جنس و جنسیت، نفی ازدواج کودکان و... را بر ساخت می‌کند. مهم‌ترین استراتژی این گفتمان در مواجهه با امر جنسی، صراحت و ابهام‌زدایی از امر جنسی است. عرصه عمومی متأخر مناقشات این دو رویکرد، سند ۲۰۳۰ سازمان ملل بود.

کلیدواژگان

آموزش جنسی، امر جنسی، تحلیل گفتمان، جامعه ایرانی.

ssadeghi@ut.ac.ir

abolfazleqbali@ut.ac.ir

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۷

مقدمه

غرایز بشر یکی از ابعاد وجودی او هستند که هریک به نوبه خود سهمی در تعیین‌کنندگی رفتارهای اجتماعی انسان دارند. از جمله این غرایز بشری، شهوت یا میل جنسی است. نهاد ازدواج در طول تاریخ اساساً مبتنی بر همین صائقه جنسی بوده و در بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله تجاوز، قتل، نزاع‌های طایفه‌ای و... ردپای این غریزه مهم قابل مشاهده است. دایره تأثیر و تأثر متقابل میان امر جنسی و تعاملات اجتماعی افراد به قدری گسترده است که امروزه در ادبیات علوم اجتماعی، مفهومی با عنوان «فرهنگ جنسی»^۱ پا به میان نهاده است [۵۵، ص ۷۵]. این مفهوم ناظر به پیوند میان زیست جهان و امر جنسی است که از استعاره‌های جنسی در زبان و فرهنگ عامه تا سویه‌های اروتیک منطق بازرگانی در نظام سرمایه‌داری را شامل می‌شود.

یکی از مختصات جامعه مدرن، جنسی‌شدن زیست جهان افراد است. گسترش عناصر و دلالت‌های جنسی در ساحت نمادین فرهنگ و وجوه عینی سبک زندگی انسان امروزی از نشانه‌های چنین واقعیتی است. «امروزه جنسیت»^۲ در رأس مسائل جامعه مصرفی قرار دارد و به نحو چشمگیری تعیین‌کننده دال ارتباطات جمعی شده است. هرچه برای دیدن و شنیدن عرضه می‌شود، به گونه‌ای آشکار رنگ‌وبوی جنسی به خود گرفته است [۸، ص ۲۲۵]. در جامعه ایران نیز همین وضعیت وجود دارد. تبلیغات، معماری، رسانه، فضای مجازی، پوشش جنسی زنان و... از عناصر جنسی در ساحت نمادین و عینی فرهنگ و سبک زندگی ایرانی محسوب می‌شود؛ مثلاً، در بحث پوشش زنان، براساس پژوهشی که مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا) در سال ۱۳۹۳ انجام داده است، وضعیت آرایش زنان در جامعه در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۸۸ بیش از ۱۰ درصد افزایش یافته است [۴] و نیز براساس پژوهش شورای فرهنگ عمومی کشور که در تابستان سال ۱۳۹۲ انجام شده است، بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ علاوه بر تغییر الگوی استفاده از چادر، تعداد زنان چادری نیز حدود ۲۰ درصد کاهش یافته‌اند. این ارقام هنگامی نشان از وضع نامطلوب پوشش زنان در فضاهای عمومی جامعه دارد که در کنار آمار ۷۱ درصدی تردد زنان بدحجاب در معابر عمومی شهر قرار می‌گیرد [۴۷].

سکوت و تغافل مسئولان و دستگاه‌های سیاست‌گذار نسبت به وضع موجود و فقدان وجود بسته سیاستی مشخص و نیز اختلال در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در نهادهای متکفل آموزش و فرهنگ، همگی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا زیست‌جنسی ایرانیان را به بستری که مستعد بحران‌زایی و ایجاد شکاف‌های اجتماعی است بدل کنند. فراگیرشدن الگوی سیال و ناپایدار روابط دختر و پسر [۱۹، ص ۷۵؛ ۲۲، ص ۸۴]، تغییر سبک روابط جنسی میان آن‌ها

1. sex culture
2. sexuality

[۱۴؛ ۳۱]، کاهش سن تعامل جنسی دختر و پسر از دبیرستان به راهنمایی [۴۰]، افزایش روابط جنسی فراخواندگی و خیانت در جامعه [۳۳]، رفتارهای نامتعارف جنسی ایرانیان در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی^۱ و... همگی بیانگر تغییرات اساسی در زیست جهان جنسی جامعه ایران است که محل تأمل جدی است.

پیرامون علل و زمینه‌های ایجاد شرایط موجود در وضع جنسی جامعه ایران تحلیل‌ها و دیدگاه‌های نظری مختلف از سوی کارشناسان مختلف شکل گرفته است. طیفی از دیدگاه‌ها قائل به تأثیر فقدان دانش جنسی افراد بر وقوع ناهنجاری‌ها در رفتارهای جنسی آنان بوده و بر ضرورت ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه از بدو کودکی تأکید دارند. در سر دیگر این طیف، رویکردی کاملاً متفاوت وجود دارد که اگرچه بر ضرورت دانش جنسی در برخی از زمینه‌ها تأکید دارد و آموزش جنسی به معنای ارائه اطلاعات و دانش در این زمینه به افراد را نفی نمی‌کند، اما آموزش جنسی را ذیل یک استراتژی کلان‌تری با عنوان تربیت جنسی تعریف می‌کند. عرصه سیاست‌گذاری امر جنسی در جامعه ایران در حال حاضر محل مناقشه و اختلافات نظری این دو رویکرد است.

لذا پژوهش حاضر درصدد بررسی مناقشات پیرامون امر جنسی میان این دو رویکرد و ارائه یک صورت‌بندی گفتمانی از دال‌های محوری این نظریات و تحلیل فضای تخصصی و ضدیت میان آنهاست.

ملاحظات نظری

همه رویکردهای نظری در تحلیل گفتمان بر این فرض استوارند که شیوه‌های سخن‌گفتن ما نه تنها منعکس‌کننده جهان، هویت و روابط اجتماعی ما هستند، بلکه به صورت فعالانه آن را می‌سازند و تغییر می‌دهند. نزد لاکلا و موف اهمیت گفتمان‌ها در این است که آن‌ها واسطه‌های مهم تفسیر موقعیت ساختاری و بازتولید و عدم بازتولید آن هستند. به عبارت دیگر، بازتولید یک نظم اجتماعی مستلزم آن است که گفتمان حاکم بتواند موضع سوژه‌ای افراد را شکل دهد

۱. با مراجعه به بخش ترندینگ سایت گوگل به عنوان اولین و مهمترین موتور جستجوی محتوا در اینترنت، و براساس آماره‌های ارائه شده توسط این سایت، فعالیت‌های ایرانیان در این موتور جستجو از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷، به این شرح قابل مشاهده است:

در قسمت جست‌وجوی تصاویر برترین روندهای جست‌وجو به این شرح است: «عکس»، «دختر»، «زن»، «لباس»، «دانلود»، «فیلم»، «hot»، «زیبا»، «girl» و «ایران». همچنین برترین روندهای جست‌وجو در قسمت فیلم توسط ایرانیان به این قرار است: «ایرانی»، «hot»، «girl»، «love»، «video»، «فیلم»، «ایران»، «music»، «sexy»، و «رقص». در سایت یوتیوب نیز، که دومین سایت پرمخاطب جهان محسوب می‌شود، مهم‌ترین روندهای جست‌وجوی فیلم توسط ایرانیان از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ به این شرح است: «ایرانی»، «hot»، «girl»، «فیلم»، «love»، «Iran»، «music»، «sexy»، «dance»، «رقص».

و در صورتی که در این کار موفق نشود، نظم اجتماعی دگرگون خواهد شد. از همین رو، همواره میان گفتمان‌ها برای کسب موقعیت مسلط در چارچوب‌های تفسیری افراد نزاع و کشمکش وجود دارد و تسلط یک گفتمان امری قطعی و دائمی نیست و به شدت به نحوه آرایش روابط قدرت در برهه تاریخی خاص وابسته است [۶۲]. آن‌ها معتقدند برای ایجاد هر پدیده یا هویتی وجود «دیگری»^۱ ضروری است؛ یعنی همه هویت‌ها به وسیله یک اصل مشترک، تقابل نظام معنایی درونی با نظام یا نظام‌های معنایی بیرونی شکل می‌گیرند [۶۲، ص ۱۲۵]. بنابراین، گفتمان‌ها نیز از طریق ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت میان «ما» و «دیگری» هویت خود را کسب می‌کنند [۱۰، ص ۵۳]. به این ترتیب، «ضدیت»^۲ امری است که از طریق آن گروه‌ها، جوامع و کارگزاران، مرزهای سیاسی خود را تعریف می‌کنند و از طریق پروژه دگرسازی، هویت خود را می‌سازند [۱۰، ص ۵۵]. در کل، غیریت‌سازی به معنای نفی و طرد گفتمان‌های دیگر از سوی گفتمانی خاص است. اساساً در این رویکرد هیچ معنا و هویتی بدون قرار گرفتن در رابطه با ضدیت و غیریت‌سازی، تشکیل و تثبیت نمی‌شود [۴۹، ص ۱۶۵]. لذا اینکه یک دال خاص متضمن چه مدلولی است، همواره مورد مناقشه بوده و هر گفتمانی تلاش می‌کند دال‌ها را به گونه‌ای تعریف کند که با نظام معنایی خود سازگار باشد. همه دال‌های یک گفتمان ارزش برابری ندارند و به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین آن‌ها «دال مرکزی»^۳ است [۲۱]. دال مرکزی به شخص، نماد، یا مفهومی اطلاق می‌شود که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند [۵۰]. «مفصل‌بندی»^۴ نیز فرایندی است که به واسطه آن نشانه‌ها باهم جوش می‌خورند [۴۹، ص ۱۶۳] و یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. لاکلا و موف دال‌های دیگری را که حول دال مرکزی گرد می‌آیند «وقته»^۵ می‌نامند. هژمونی و قدرت یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است [۳۸، ص ۹۱].

مهم‌ترین مکانیسم و اقدام در جهت فراگیری و گسترش هژمونی گفتمان، «برجسته‌سازی» مفاهیم و دال‌های خود و «حاشیه‌رانی» دال‌های دیگری توسط گفتمان است. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی به گفتمان این امکان را می‌دهد تا معنای مورد نظر خود از امور را تثبیت و معنای گفتمان‌های رقیب را متزلزل کند.

روش‌شناسی پژوهش

چارچوب روش‌شناختی پژوهش حاضر نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف است که از رهگذر

1. other
2. antagonism
3. nodal point
4. articulation
5. moment

کار بست برخی از مفاهیم و مؤلفه‌های این نظریه به تحلیل متن و فرامتن در حوزه امر جنسی پرداخته خواهد شد. البته برای کارآمدی منطق تحلیل گفتمانی در موضوع مورد مطالعه، در این پژوهش سعی شده است برخی از مفاهیم نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف، از جمله مفهوم نظم گفتمانی و زمینه گفتمانی، به عاریت گرفته شود. لذا الگوی تحلیلی ترکیبی پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

الف) تحلیل توصیفی گفتمان‌های حاضر در حوزه امر جنسی در ایران با استعانت از مفهوم نظم گفتمانی فرکلاف و نیز مقوله‌بندی مفاهیم مرکزی آن‌ها براساس نظریه لاکلا و موف؛
ب) تحلیل تفسیری اولیه گفتمان‌ها براساس تحلیل زمینه گفتمانی آن با الگوی مورد نظر فرکلاف و نیز تحلیل تفسیری ثانویه از رهگذر تبیین نحوه مفصل‌بندی، دال مرکزی، دال‌های شناور، ابعاد (عناصر)، هم‌ارزی و انسداد معنا در گفتمان‌ها براساس نظریه لاکلا و موف؛
ج) تحلیل تبیینی گفتمان‌ها براساس تحلیل مکانیسم قدرت، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی و تخصص و ضدیت براساس نظریه لاکلا و موف و با الهام از سطح کردار اجتماعی در روش فرکلاف.

همان‌طور که گفته شد، هدف از انجام دادن تحلیل گفتمان فهم عملکرد زبان و اینکه معانی چگونه در زمینه‌های مختلف اجتماعی خلق می‌شوند. در تحلیل گفتمان، ساختار یک متن از آن جهت که روایتی را می‌سازد یا بر چیزی تأکید می‌کند، مورد توجه واقع می‌شود و هر جمله و مفهومی از دیدگاه معنایی، محتوایی، ارتباطی، اتصال به ایدئولوژی خاص و وجه استعاری آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. محقق می‌تواند تفاسیر خود را هم روی جزئیات داده‌ها و هم روی دانش زمینه‌ای بنا کند. پژوهش حاضر به لحاظ عملیاتی مراحل ذیل را طی کرده است:

مرحله اول: طراحی و تدقیق سؤال پژوهش

مرحله دوم: انتخاب و جمع‌آوری داده‌هایی که برای پاسخ به سؤال تحقیق مفید باشد.
مرحله سوم: جمع‌آوری داده‌هایی که بتواند اطلاعات خوبی درباره زمینه‌ها به محقق ارائه کند. در این مرحله، باید زمینه اجتماعی و تاریخی که داده‌ها در آن تولید شده‌اند مشخص شود. مطالعه ادبیات نظری و تکنیکی مربوط به موضوع به محققان کمک می‌کند علاوه بر درک بستر واقعی گفتمان، چارچوبی مشخص نیز برای پیشبرد کار خود پیدا کنند. در این مرحله، باید جزئیاتی واقعی را درباره داده‌ها و محتواها کسب کرد تا بتوان فهمید که محتوا چگونه و از سوی چه کسانی خلق شده یا چگونه انتشار یافته است.

مرحله چهارم: تحلیل محتواها برای استخراج تم‌ها و الگوها

و در نهایت مرحله پنجم: نتیجه‌گیری و ارائه پاسخ به سؤالات پژوهش

یافته‌های پژوهش تحلیل گفتمان توصیفی

نظم گفتمانی امر جنسی در ایران

به‌طور کلی در جامعه امروز ایران می‌توان دو گفتمان را در حوزه امر جنسی شناسایی کرد: الف) گفتمان تربیت جنسی که مبتنی بر ادبیات اسلامی در حوزه امر جنسی است. ب) گفتمان آموزش جنسی که مبتنی بر ادبیات لیبرالیستی در حوزه امر جنسی است.

الف) گفتمان تربیت جنسی

ایده تربیت جنسی در ایران مبتنی بر ادبیات اسلامی در حوزه امر جنسی است. غریزه جنسی در نگاه اسلامی نه تنها شیطانی تلقی نمی‌شود [۱۳، ج ۲۰، ص ۱۰۶؛ ۳۹، ج ۵، ص ۴۵۴]، بلکه به‌عنوان یک نیاز طبیعی در وجود بشر کاملاً به رسمیت شناخته شده [۱۳، ج ۲۰، ص ۱۵۸؛ ۳۹، ج ۵، ص ۳۲۱] و گرایش زن و مرد به یکدیگر، اقتضای ساختار وجودی انسان و نخستین کالای زیبا و آراسته دنیوی به حساب آورده است (آل‌عمران/۱۴). در این دیدگاه، لذت جنسی از بهترین لذت‌های دنیوی محسوب می‌شود [۴۲، ج ۷۶، ص ۱۴۱] که زمینه‌ساز تداوم نسل بشر نیز هست (نحل/۷۲).

این دیدگاه به انحصار ارضای نیاز جنسی در قالب ازدواج قائل است [۱۳، ج ۲۰، ص ۲۴؛ ۴۲، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹؛ ۴۶، ج ۱۴، ص ۱۶۲] و در آیات و روایات متعدد به اهمیت و قداست این پیوند اشاره کرده (نور/۳۲؛ نساء/۲۰ و ۲۱؛ روم/۲۱) [۱۳، ج ۲۰، ص ۴۵؛ ۲۵، ج ۳، ص ۲۵۱؛ ۴۲، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱؛ ۴۳، ج ۴، ص ۲۸۰؛ ۴۶، ج ۱۴، ص ۱۵۴] و به نهی و ذمّ روابط جنسی خارج از این قالب از جمله زنا (اسراء/۳۲؛ نساء/۱۵؛ نور/۲) [۲۷، ج ۳، ص ۵۷۳]، همجنس‌بازی (اعراف/۸۰؛ عنکبوت/۲۹؛ نمل/۵۴؛ نساء/۱۶) [۳۹، ج ۵، ص ۵۴۴؛ ۴۶، ج ۱۴، ص ۳۴۷]، استمناء [۳۹، ج ۵، ص ۵۴۱؛ ۴۶، ج ۱۴، ص ۳۵۶] و وطی با حیوانات (ن.ک. به توضیح المسائل مراجع) می‌پردازد.

تسهیل‌گری به ارضای مشروع نیاز جنسی نیز از مؤلفه‌های مهم این گفتمان است. تشکیل خانواده و ازدواج در این رویکرد به صورت آسان و بدون تکلف و تشریفات دست‌وپاگیر صورت می‌گیرد [۹، ج ۲۴۸ و ۴۸، ج ۴۴۷-۴۴۸؛ ۱۳، ج ۱۵، ص ۱۱؛ ۲۷، ج ۳، ص ۲۵۴]. در این رویکرد بهره‌مندی از لذت جنسی زوجین از یکدیگر به‌مثابه حق و تکلیف متقابل تعیین شده است. تمکین جنسی شوهر به‌مثابه تکلیف زن است [۱۳، ج ۱۴، ص ۱۵۳؛ ۳۹، ج ۲، ص ۶۶؛ ۴۶، ج ۱۴، ص ۲۴۷] که صرف‌نظر از برخی استثناءها، به‌ویژه موارد ضرر داشتن (مفهوم فقهی ضرر)، بودن زن یا شوهر در حالت احرام، روزه واجب، بودن زن در حالت حیض یا نفاس و... هیچ

محدودیتی ندارد [۷، ص ۲۶]. همچنین تمکین جنسی زن از سوی شوهر تکلیفی است که نباید بیش از چهار ماه به تأخیر بیفتد [۱۵، ج ۴، ص ۱۵؛ ۲۷، ج ۳، ص ۴۰۵]. نیز توصیه‌های اخلاقی فراوانی مبنی بر لزوم آراستگی زن برای شوهر در خانه در این نگاه وجود دارد [۱۳، ج ۱۴، ص ۲۱۱؛ ۲۹، ص ۸۰]. طلاق در این رویکرد به‌عنوان قبیح‌ترین حلال محسوب می‌شود [۴۸، ج ۲۷۸۷۱] که عرش خدا را به لرزه درمی‌آورد [۱۲، ج ۴، ص ۷۸] و مصالح جامعه اسلامی اقتضای محدود کردن این پدیده را دارد (سیاست‌های ابلاغی خانواده ۱۳۹۵)

ارضای نیاز جنسی در قالب ازدواج صرفاً محدود به ازدواج دائم و منحصر به تک‌همسری نیست و می‌تواند در قالب چندهمسری یا ازدواج موقت صورت گیرد. تعدد زوجات نزد این رویکرد به‌عنوان یک حق مشروط برای مردان در نظر گرفته شده است که شرط آن رعایت عدالت در میان همسران است (نساء/ ۳). ازدواج موقت (صیغه) نیز در این رویکرد به‌عنوان امری جایز برای افرادی در نظر گرفته شده است که امکان ازدواج دائم به هر دلیلی برای آنان میسر نیست و خوف افتادن به ورطه گناه و روابط نامشروع برای آنان وجود دارد [۱۳، ج ۷، ص ۱۵۱؛ ۱۵، ج ۲، ص ۷۰۱].

از منظر این گفتمان، در کنار تسهیل در ارضای متعادل غریزه جنسی، کاهش تحریک‌پذیری آن در جامعه نیز باید صورت گیرد [۴۵، ص ۱۲۱]. کنترل غریزه جنسی از این منظر اهمیت دارد که رضایت آن هیچ خط پایانی ندارد. کنترل غریزه جنسی از طرق مختلف و مکانیسم‌های فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد. یکی از این روش‌های کنترل و مدیریت غریزه جنسی در جامعه حجاب است. براساس حکم حجاب، زنان باید بدن خود را از مردان نامحرم بپوشانند (احزاب/ ۵۳ و ۵۹؛ نور/ ۳۱) [۱۳، ج ۳، ص ۲۵؛ ۲۰، ج ۲، ص ۳۸۳؛ ۳۹، ج ۵، ص ۵۲۱] و در برابر آنان مراقبت رفتار و گفتار خود باشند (احزاب/ ۳۲؛ نور/ ۳۱). دین اسلام آرایش زن برای غیر همسر را محدود کرده و غیر مجاز شمرده است [۱۳، ج ۲، ص ۱۶۰]. در این گفتمان از آنجا که فلسفه حجاب جلوگیری و ممانعت از زمینه‌های گسترش فساد در جامعه است [۴۵، ص ۱۱۵]، رعایت آن در جامعه اسلامی الزامی است و در این زمینه تفاوتی میان زنان مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد. (قانون مجازات اسلامی: ماده ۶۳۸) در کنار حکم وجوب حجاب، حرمت نگاه به نامحرم نیز از دیگر روش‌های کنترل تحریک در جامعه است. توصیه به غض بصر در قرآن هم برای زنان و هم برای مردان تصریح شده است (نور/ ۳۰ و ۳۱) و فقدان حیا و عفت و پاک‌دامنی زن و مرد از زمینه‌های وقوع انحرافات جنسی تلقی می‌شود [۱۱، ص ۳۹۴].

از بین بردن زمینه اختلاط دو جنس در محیط جامعه از جمله فضای کار و تحصیل و... نیز از طرق کنترل تحریک جنسی در جامعه نزد این رویکرد است. در آموزه‌های اسلامی، اختلاط زن و مرد بسیار مورد مذمت و نکوهش واقع شده و تعامل مرد و زن نامحرم، به جز در مواقع ضرورت، به شدت برحذر داشته شده است، زیرا این رویکرد ارتباط مرد و زن نامحرم را کاملاً

مستعد به گناه کشیده شدن و عامل اصلی فساد اخلاقی می‌داند و تأکید فراوان دارد که مرد و زن نامحرم، تا جایی که برایشان امکان دارد، از اختلاط و تعامل با یکدیگر بپرهیزند. علاوه بر آیه ۲۵ سوره مبارکه نساء، که در نفی ارتباط صمیمانه و دوستی پنهانی با نامحرم است، در روایات بسیاری نیز بر این مهم تأکید شده است [۱۳، ج ۳، ص ۵۰۷؛ ۲۳، نامه ۳۱؛ ۲۸، ص ۶۰۷].
خویشترن‌داری و رعایت تقوا و نیز پابندی به عفت و حیا نیز از راهکارهای دیگر جهت کنترل رفتار جنسی در جامعه است. از مجموع آموزه‌های دین اسلام این‌گونه برداشت می‌شود که حیا و کفّ نفس امری فراجنسیتی و صفتی مطلوب برای همه مردان و زنان است [۶، ج ۲، ص ۳۲۰]. در متون اسلامی، سفارش فراوانی به تربیت انسان‌ها، به‌ویژه دختران و زنان، بر محور حیا وجود دارد [۳۲، ص ۷۷].

جنبه رازگونی و پرده‌پوشی به امر جنسی نزد این گفتمان بسیار مهم است. گفتمان دینی قائل به تفکیک حوزه عمومی و حوزه خصوصی است و امر جنسی را متعلق به حوزه خصوصی می‌داند. به همین دلیل، با برساخت رسانه‌ای یا طرح مسائل جنسی در سپهر عمومی جامعه از قبیل مدرسه، فضای مجازی، تلویزیون و... مخالفت می‌ورزد. همچنین «مسئله‌زدایی» نسبت به امر جنسی نیز نزد این گفتمان یک استراتژی مهم به شمار می‌رود. شاید آموزه‌های دینی مربوط به منع عمل زناشویی در مقابل فرزندان [۱۳، ج ۲۰، ص ۱۳۲]، حرمت برهنه‌شدن در مقابل فرزندان [۳۹، ج ۵، ص ۵۰۳]، منع همخوابی کودکان بالای هفت سال [۴۲، ج ۱۰۴، ص ۹۶] یا استیذان [۱، نور، ۵۸] و سایر مراقبت‌های دوران بلوغ به همین استراتژی مربوط باشد.

ب) گفتمان آموزش جنسی

ایده آموزش جنسی در ایران مبتنی بر استانداردها و سیاست‌های سازمان ملل متحد و اسناد بین‌المللی از جمله متأخرترین آن‌ها، یعنی سند ۲۰۳۰، در سال‌های اخیر شکل گرفته است. با عنایت به اینکه بخش مهمی از اسناد سیاستی بین‌المللی از جمله سیاست‌های آموزشی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)، فدراسیون بین‌المللی برنامه‌ریزی والدین^۲، سازمان جهانی بهداشت^۳ و... متأثر از گفتمان آموزش جامع جنسی لیبرال^۴ تدوین و طراحی شده است [۶۰]. در ادامه به بررسی پیش‌فرض‌ها، اصول و اهداف عملی آموزشی این گفتمان پرداخته خواهد شد.

«سکسوالیته» یک دستگاه نظری با ویژگی‌های گفتمانی منحصربه‌فرد است [۵۶] که به‌طور کلی هر آنچه با ساخت بدن‌های جنسی و جنسیت‌مندشده، هویت‌ها و رفتارهای جنسی،

1. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)
2. International Planned Parenthood Federation (IPPF)
3. World Health Organization (WHO)
4. liberal comprehensive sexual education

علايق، تمايلات، کنش‌ها، دانش جنسی، مهارت‌ها و اطلاعات سروکار دارد شامل می‌شود [۶۵]، ص ۵۶]. آموزش جنسی در این گفتمان به‌مثابه یک رویکرد متناسب با سن، به لحاظ فرهنگی مناسب، جهت تعلیم و تربیت در رابطه با سکس و روابط، با استفاده از ارائه اطلاعات علمی دقیق، واقع‌بینانه و بدون پیش‌داوری تعریف شده است. آموزش جنسی فرصت‌هایی برای بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های فرد و ایجاد مهارت‌های تصمیم‌گیری، ارتباط و کاهش خطر در مورد بسیاری از جنبه‌های سکسوالیته فراهم می‌کند [۷۱].

در این گفتمان، حقوق جنسی فردی و مسئولیت‌پذیری در قبال جوانان با استناد به حقوق بشر یا قانون پیگیری شده و افراد براساس انتخاب شخصی خود اصول اخلاقی تعامل و ارتباط مبتنی بر رضایت طرفین را فرامی‌گیرند و با ادبیات جنسی و هنجارهای آن آشنا می‌شوند [۷۴]. هدف این آموزش‌ها حفاظت از حق جوانان برای آگاهی از اطلاعات گوناگون جنسی است. موضوعات این آموزش‌ها شامل آناتومی بدن، فیزیولوژی، ارتباطات و تعاملات بین فردی، حقوق جنسی، خویش‌داری و آموزش‌های جلوگیری از بارداری است [۶۰].

در این گفتمان، ارتباط جنسی از ابتدای جوانی (اعم از روابط متعهدانه یا غیر متعهدانه) به رسمیت شناخته شده و آموزش جنسی درصدد است جوانان را از رفتار پرخطر جنسی برحذر دارد [۶۷؛ ۷۲؛ ۷۵]. این خطرها شامل مخاطرات احساسی عاطفی، اجتماعی و فیزیکی از جمله شکست عشقی، بی‌آبرو شدن، بیماری‌های قابل انتقال جنسی همچون ایدز، بارداری ناخواسته و... است [۶۵؛ ۶۶]. در این گفتمان، متخصصان آموزش جنسی باید همواره فضایی خنثی برای مطالعه عینی و عقلانی سکس به دور از پیش‌فرض‌های شخصی فراهم کنند. احترام به همه گرایش‌های جنسی (اعم از همجنس‌گرایی^۱، دگرجنس‌خواهی^۲، دوجنس‌خواهی^۳ و...) از اصول این گفتمان است [۶۴].

این رویکرد، آموزش جنسی به کودک و نوجوان را تنها رویه صحیح مواجهه با مسائل جنسی آنان می‌داند و به جای سکوت و تغافل از امر جنسی، بر صراحت در این زمینه تأکید دارد [۳۶، ص ۱۲۵]. همچنین، اندیشمندان و صاحب‌نظران دیگری نیز بر آزادی جنسی از قیود اجتماعی تأکید داشته و ارائه دانش جنسی به منظور زدودن ابهام و آگاه‌سازی کودکان و نوجوانان از امر جنسی را بهترین رویه در این زمینه تلقی کرده‌اند [۱۷؛ ۳۴؛ ۳۷؛ ۸۴]. در این رویکرد، دانش جنسی عنصری محوری در سلامت جنسی بوده [۵۱؛ ۶۹] و ارائه آن به افراد یکی از عوامل مهم در فرایند رشد جنسی [۶۳؛ ۶۸] و افزایش کیفیت زندگی است [۷۳] و مانع بروز اختلالات جنسی و رفتار ناسالم می‌شود [۵۲؛ ۵۳؛ ۵۴؛ ۵۹؛ ۶۱].

آموزش جنسی به‌عنوان ارائه اطلاعات و آگاهی درباره مسائل جنسی نزد این رویکرد یک

1. homosexuality
2. heterosexuality
3. transsexuality(bisexual)

ضرورت عام برای همه رده‌های سنی اعم از دختر و پسر تلقی شده [۵۷] و این امر برعهده والدین و معلمان مدرسه و همه افرادی است که به نوعی با کودک یا نوجوان ارتباط آموزشی و تربیتی برقرار می‌کنند [۵۸؛ ۷۰].

مفاهیم و گزاره‌های مرکزی گفتمان‌ها

خلاصه مفاهیم اصلی و مرکزی گفتمان‌های در عرصه‌های مرتبط با امر جنسی در جامعه به شرح ذیل است.

مفاهیم و گزاره‌های اساسی گفتمان‌ها		عرصه‌های مرتبط با امر جنسی
گفتمان آموزش جنسی	گفتمان تربیت جنسی	
طبیعت‌گرایی، عمومی‌بودن امر جنسی، مسئله‌بودگی امر جنسی	فرهنگ‌گرایی، خصوصی‌بودن امر جنسی، مسئله‌زدایی از امر جنسی	ماهیت امر جنسی
کاهش آسیب‌های رفتار جنسی، آموزش جنسی با محوریت ارائه دانش و آگاهی جنسی از کودکی تا بزرگسالی، صراحت و ابهام‌زدایی مطلق از امر جنسی، آموزش جنسی از سوی والدین و معلمان	هدایت‌گریزه جنسی، تربیت جنسی به‌مثابه یک روند از تولد تا بزرگسالی، آموزش جنسی از سوی خانواده، خویش‌داری، حجاب و حیا، غیرت‌ورزی، تعافل، ابهام‌زایی در کودکی و نوجوانی، ابهام‌زدایی پس از ازدواج	استراتژی‌های مواجهه با امر جنسی
کاهش رفتار جنسی پرخطر و آسیب‌زا، سلامت و بهداشت جنسی، رضایت جنسی در خانواده، احترام به انتخاب جنسی افراد	تسهیل‌ارضای مشروع‌گریزه جنسی، ازدواج به‌هنگام، کاهش تحریک در فضای عمومی و رسانه‌ها، استحکام خانواده	مؤلفه‌های وضع بهنجار جنسی در جامعه
همجنس‌بازی، روابط جنسی فرازنشویی، ازدواج در سنین پایین، افزایش آسیب‌ها و مخاطرات جنسی در جامعه، ناکارآمدی جنسی خانواده، برساخت واقعیت اجتماعی ایران به‌مثابه وضع نابهنجار	خودارضایی، روابط جنسی نامشروع، همجنس‌گرایی، دوجنس‌گرایی، افزایش سن ازدواج و مجرد قطعی، تحریک جنسی در فضای عمومی و رسانه‌ها، برساخت واقعیت اجتماعی غرب به‌مثابه وضع نابهنجار	مؤلفه‌های وضع نابهنجار جنسی در جامعه
لذت از زندگی	تولیدمثل، آرامش در قالب زوجیت	کارکردهای‌گریزه جنسی

تحلیل تفسیری اولیه

زمینه گفتمانی تربیت جنسی در ایران

زمینه گفتمانی ایده تربیت جنسی در ایران به وقوع انقلاب اسلامی و حاکمیت گفتمان اسلام حداکثری در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی معطوف است. اسلام سیاسی امام خمینی (ره) با اتخاذ یک رویکرد فقهی پویا درصدد ارائه الگو در همه عرصه‌های جامعه

برآمد. به همین دلیل، رقابت گفتمانی انقلاب اسلامی با سایر گفتمان‌های غرب وارد مناسبات اجتماعی شد. یکی از این عرصه‌ها امر جنسی و بروزات اجتماعی آن از جمله خانواده، ازدواج، حجاب و... است. این گفتمان معتقد است که با عنایت به جامعیت دین اسلام، به‌عنوان دین خاتم، همه مؤلفه‌های لازم برای زندگی اجتماعی در آموزه‌های اسلام وجود دارد [۴۴، ص ۶۳]. از استدلال‌های نظری مهم برای این مدعا، فقه پویای تشیع است که متناسب با شرایط تاریخی و اجتماعی احکام و دستورات دینی لازم را تدوین می‌کند [۴۴، ص ۷۴].

زمینه گفتمانی آموزش جنسی در ایران

زمینه گفتمانی ایده آموزش جنسی در ایران مربوط به محوریت‌یافتن «پزشکی اجتماعی» به‌عنوان یک دپارتمان اصلی در نظام سلامت و سیاست‌گذاری در حوزه سلامت و بهداشت جنسی در دهه ۱۳۹۰ است که به تبع گسترش وجوه پروبلماتیک امر جنسی از جمله بیماری‌های جنسی، کژکارکردهای جنسی خانواده و افزایش طلاق‌های جنسی، بحران در روابط جنسی پیش از ازدواج، مسئله روسپی‌گری و... در ایران صورت گرفته است. رویکرد همگرایی با جامعه جهانی و اسناد بین‌المللی در حوزه سلامت و بهداشت جنسی که در دولت یازدهم و دوازدهم از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و همچنین معاونت امور بانوان نهاد ریاست‌جمهوری پیگیری می‌شود، یکی از زمینه‌های مهم گفتمانی شکل‌گیری ایده آموزش جنسی در ایران است.

تحلیل تفسیری ثانویه

مفصل‌بندی

«مفصل‌بندی» عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند. اساساً گفتمان در تعریف لاکلا و موف همان کلیت ساختاریافته ناشی از مفصل‌بندی است [۶۲، ص ۱۰۵]. گفتمان تربیت جنسی با محوریت مفاهیمی چون «هدایت»، «کنترل» یا «مهار» غریزه جنسی مفصل‌بندی می‌شود و گفتمان آموزش جنسی با محوریت «کاهش آسیب» غریزه جنسی مفصل‌بندی می‌شود.

دال مرکزی

«دال مرکزی» یا «گره‌گاه» یا «بست» دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع شده و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام‌بخش آن‌هاست [۴۱]. دال مرکزی گفتمان تربیت جنسی «اخلاق جنسی» و دال مرکزی گفتمان آموزش جنسی «دانش جنسی» است.

دال‌های شناور

دال‌های شناور نشانه‌هایی چندمعنایی هستند که مفهوم آن‌ها هنوز تثبیت نشده است. گفتمان می‌کوشد تا با تقلیل معانی، آن‌ها را به عنصر خود تبدیل کند [۲۵، ص ۹۷].

دال‌های شناور گفتمان تربیت جنسی عبارت‌اند از: هویت جنسیتی، زنانگی و مردانگی، حجاب، فرزندآوری، تعدد زوجات، ازدواج موقت، حیا و عفت زنانه، خویش‌نوازی، تمکین، حرمت زنا و همجنس‌گرایی و...
دال‌های شناور گفتمان آموزش جنسی عبارت‌اند از: تمایز همجنس‌گرایی و همجنس‌بازی، احترام به حقوق اقلیت‌های جنسی، تمایز جنس^۱ و جنسیت^۲.

ابعاد (عناصر)

اگر گفتمان را تثبیت معنا در درون قلمرو خاصی بدانیم، همه نشانه‌های گفتمان یک بُعد هستند. آن زمانی که دال‌ها و عناصری که درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده به هویت و معنای موقتی دست می‌یابند، «لحظه» نامیده می‌شوند [۲۵، ص ۹۸].

در گفتمان تربیت جنسی، ابعاد عبارت‌اند از: واگرایی در نسبت با جامعه و اسناد بین‌المللی، ابهام‌زایی از امر جنسی تا نوجوانی و ابهام‌زدایی در سنین ازدواج، فرهنگ‌گرایی در امر جنسی، مسئله‌زدایی امر جنسی، بحران جنسی در جوامع غربی، تأکید بر ازدواج در سنین پایین، تأکید بر حجاب قانونی و...
در گفتمان آموزش جنسی، ابعاد عبارت‌اند از: همگرایی در نسبت با جامعه و اسناد بین‌المللی، ابهام‌زدایی از امر جنسی، طبیعت‌گرایی در امر جنسی، مسئله‌بودگی امر جنسی، بحران جنسی جامعه ایرانی، نفی ازدواج در سنین پایین، نفی حجاب اجباری و...
شهرت‌آوردن از مطالبات فتنی

هم‌ارزی

در یک گفتمان مجموعه‌ای از معانی هم‌ارز شمرده و در یک گروه طبقه‌بندی می‌شوند. از این رو، یک پدیده یا موضوع تعمیم پیدا می‌کند و مجموعه‌ای از پدیده‌ها یا موضوعات را به صورت زیرمجموعه یا هم‌ارز با خود درمی‌آورد [۲۵، ص ۱۰۰].
در گفتمان تربیت جنسی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. خانواده‌گرایی در تربیت جنسی، آموزش جنسی از سوی والدین، مخالفت با آموزش جنسی در رسانه و مدارس، جامعه‌پذیری جنسیتی، خانواده و جنسیت‌محوری در نظام آموزش رسمی؛

1. sex
2. gender

۲. فرهنگ‌گرایی در امر جنسی، تغافل و مسئله‌زدایی از امر جنسی، ابهام‌زایی از امر جنسی، خویش‌داری، عفاف و حیا، تقوا و پاک‌دامنی، حجاب قانونی و...؛
 ۳. وضع ناپهنجاری جنسی در غرب، حرمت زنا و همجنس‌گرایی، زیست جهان جنسی، عدم استفاده ابزاری از زن در رسانه و... .
- در گفتمان آموزش جنسی نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
۱. فواید و مطلوبیت دانش و آگاهی جنسی در افراد، ضرورت آموزش جنسی، عمومیت و مطلق‌گرایی در آموزش جنسی، آموزش جنسی از سوی معلمان و مدارس، آموزش جنسی در کودکی و...؛
 ۲. طبیعت‌گرایی در امر جنسی، کاهش مخاطرات رفتار جنسی، مسئله‌زدایی از امر جنسی، صراحت و ابهام‌زدایی از امر جنسی، نفی حجاب اجباری و...؛
 ۳. وضع ناپهنجار جنسی در جامعه ایرانی، احترام به حقوق اقلیت‌های جنسی، تمایز همجنس‌بازی با همجنس‌گرایی و... .

تحلیل تبیینی گفتمان‌ها

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

در منازعات گفتمانی هر گفتمان با برجسته‌کردن قوت‌های خود و ضعف‌های رقیب و با به حاشیه راندن ضعف‌های خود و قوت‌های رقیب، سعی در کشیدن هاله‌ای از قدرت دست‌نیافتنی به اطراف خود است. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و دوام هژمونیک گفتمان است [۴۱، ص ۲۷]. در ادامه به مناقشات ناشی از برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی این دو گفتمان در بستر جامعه ایران اشاره می‌شود:

گفتمان تربیت جنسی که از سوی جریان اسلام‌گرایی در ایران حمایت و نمایندگی می‌شود، سعی دارد در فضای رسانه‌ای و آموزشی جامعه مفاهیم و دال‌های خود نظیر «حجاب»، «ازدواج آسان»، «ازدواج بهنگام»، «هویت جنسی» و... را بر ساخت کند. حجم انبوه آثار فرهنگی رسانه‌ای، مکتوب، تصویری، سخنرانی‌ها، اسناد سیاستی و قوانین، نهادسازی‌ها و... در این زمینه در چهل سال اخیر قابل مشاهده و احصا هستند. از سوی دیگر، سعی دارد مفاهیم گفتمان رقیب را به چالش بکشد. این کار از طریق آشکارسازی واقعیت اجتماعی و فرهنگی جوامع غربی به مثابه وضع بحرانی، بازنمایی بحران‌های خانواده و فرزندان ناشی از فساد و بی‌بندوباری در جوامع غربی، جرم‌انگاری زنا و همجنس‌بازی در قوانین کیفری ایران، مخالفت با اسناد سیاستی بین‌المللی از جمله سند ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد با رویکرد مخالفت با آموزش جنسی در مدارس و... از جمله فعالیت‌های این گفتمان در جهت حاشیه‌رانی دال‌های گفتمان رقیب هستند.

گفتمان آموزش جنسی نیز که از سوی جریان لیبرالیستی در ایران پیگیری می‌شود از رهگذر برساخت پیامدها و آسیب‌های رفتارهای جنسی ایرانیان در حوزه سلامت فردی و اجتماعی در سالیان اخیر^۱، افزایش ایدز و بیماری‌های مراقبتی، پایین آمدن سن رابطه جنسی پیش از ازدواج، افزایش خیانت و روابط فرازناشویی، خیانت‌انگاری از دواج موقت^۲، یکسان‌انگاری تعدد زوجات با خشونت علیه زنان^۳، نفی تمکین به‌عنوان خشونت جنسی^۴، مخالفت با حجاب به‌عنوان تضييع حقوق جنسی دختران^۵ و... سعی در به چالش کشیدن هژمونی گفتمان رقیب در سپهر اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی دارد. و نیز این گفتمان سعی دارد با طرح مفهوم «ازدواج کودک» و برساخت پیامدها و آسیب‌های این پدیده، ایده «ازدواج بهنگام» در گفتمان رقیب را به چالش بکشد. همچنین، از سوی دیگر، این گفتمان می‌کوشد با طرح تمایز میان دو مفهوم «همجنس‌گرایی» به‌عنوان ساخت جنسی ژنتیک یا فرهنگی و «همجنس‌بازی» به‌عنوان اختلال در کارکرد جنسی به برجسته‌سازی ایده «حقوق دگرباشان جنسی» در ایران بپردازد.^۶

تخاصم، ضدیت و غیریت

هدف تخصص ایجاد هویتی گروهی در قالب دو گروه «مایی» و «آن‌هایی» است. با شکل‌گیری غیریت و تخصص در فضای گفتمانی، «غیریت‌سازی» انجام می‌گیرد. تخصص و ضدیت یک گام بالاتر از غیریت هستند. در تخصص و ضدیت تلاش می‌شود سایر گفتمان‌ها از «رقیب» به «دشمن» تبدیل شوند. چنین مؤلفه‌هایی در تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه بیشتر برای منازعات جریان‌ها، جنبش‌ها و احزاب سیاسی به کار می‌رود [۲۵، ص ۱۰۵] و در ارتباط با گفتمان‌های امر جنسی در ایران، نمی‌توان از منازعه و دشمنی سرسختانه با یکدیگر سخن گفت، اما لایه‌ای از خصومت در این فضا شناسایی‌پذیر است. مهم‌ترین و متأخرترین عرصه تخصص و ضدیت این دو گفتمان در سپهر اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران ماجرای سند ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد و مناقشات پیرامون تصویب یا رد آن بوده است. گفتمان تربیت جنسی از رهگذر مخالفت با آموزش جنسی در مدارس و نیز تعارض برخی مفاد این سند با آموزه‌های اخلاق جنسی در

۱. از جمله ماجرای تجاوز به دختر بچه‌هایی چون آتنا، اهورا، ستایش، بنیتا و ماجرای مدرسه معین در تهران.

۲. شهلا اعزازی، «مفهوم‌شناسی خشونت»، مصاحبه با مجله حورا، ش ۱۰.

۳. شهلا اعزازی، قوانین مربوط به خانواده، بازتولید خشونت ساختاری علیه زنان است، سایت مدرسه فمینیستی مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۳.

۴. عفت مرقاتی‌خویی، عواقب رابطه جنسی بدون رضایت و تحت فشار، سایت شفا آنلاین ۱۳۹۴/۱/۳۰.

۵. عفت مرقاتی‌خویی، عواملی که باعث دل‌مردگی جنسی زوجین می‌شود، مصاحبه با شفقنا به تاریخ ۱۳۹۲/۹/۲۰.

۶. نک به: نراقی، آرش (۱۳۹۷). «مسئله همجنس‌گرایی در اندیشه شیعی ایران معاصر»، *ایران‌نامگ*، س ۳، ش

اول و گنجی، اکبر (۱۳۸۷). «روشنفکری دینی و مسئله همجنس‌گرایی». مصاحبه با رادیو زمانه، به تاریخ

۱۳۸۷/۴/۵.

اسلام به مخالفت با آن پرداختند^۱ و گفتمان آموزش جنسی نیز با این استدلال که آموزش جنسی ضرورت جامعه امروز بوده و مفاد موجود در این سند هیچ مخالفتی با اسلام ندارد، از این سند دفاع می‌کنند.^۲

قدرت

یکی از ویژگی‌های مندرج در گفتمان‌ها قدرت است. ملازمت گفتمان و قدرت انکارنشده است. اساساً هیچ گفتمانی خارج از مدار قدرت نیست، زیرا قدرت قالب‌دهنده و پیونددهنده دال و مدلول است. یکی از وجوه قدرت برای یک گفتمان، دستیابی به موضعی هژمونیک است. همه گفتمان‌ها قدرت یکسانی ندارد و منابع قدرت آن‌ها متکثر و متنوع است. پیروان گفتمان، نزدیکی به حکومت سیاسی، داشتن حزب، دسترسی به رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی و فرهنگی، داشتن مبانی و پایه‌های مستحکم نظری و معرفتی و... از منابع و عواملی هستند که قدرت گفتمان‌ها را افزایش می‌دهند [۲۵، ص ۱۰۷].

۱. حسین کچوئیان عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی: «دو سال به صورت محرمانه در کشور بر روی این سند کار شده است. ترویج مسائل جنسی در تعلیم و تربیت که به انحرافات اخلاقی دانش‌آموزان و درنهایت فروپاشی نظام خانواده می‌انجامد، تنها یکی از اشکالات بارز این سند است» (خبرگزاری رسا: ۱۳۹۶/۲/۱۷).

حسن رحیم‌پور ازغدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی: «حرف اساس ما این است چرا برخی اسناد بالادستی را دور می‌زنند و چنین اسنادی را امضا می‌کنند؛ درحالی‌که برخی مفاد آن خلاف مبانی اسلام و قانون اساسی است. این سند صریحاً می‌گوید هر نوع تربیت دینی، الهی، خلاف حقوق بشر است، ولی آموزش جنسی تحت عنوان بهداشت را برای کودکان جزء حقوق کودکان می‌داند که حتی به بلوغ جنسی نرسیده است» (خبرگزاری تسنیم: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴).

علی‌اکبر رشاد عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی: «براساس مسلمات فقه و قانون، این سند باطل و مردود است. بنده از این اتفاق [سند ۲۰۳۰] اظهار شرمساری می‌کنم و عذر تقصیر به پیشگاه رهبری می‌برم» (روزنامه رسالت: ۱۳۹۶/۲/۲۱).

مهدی گلشنی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی: «من معتقدم که سندهایی مانند ۲۰۳۰ راه نفوذ را باز می‌کند و حواس مسئولان باید نسبت به این موضوع جمع باشد و این سندها را به طور کامل نپذیرند.» (۱۳۹۶/۳/۷).
محمدجواد لاریجانی دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه: هدف اصلی سند ۲۰۳۰ مبارزه با دین‌جویان از زمان کودکی است و آن‌ها عقیده دارند امر به معروف و نهی از منکر فضولی است (باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۹۶۷/۲۰).

۲. شهیندخت مولاردی معاون رئیس‌جمهور: «سند ۲۰۳۰ مخفیانه امضا نشده، این سند برای آموزش برابر دختران و پسران بسیار هم خوب بوده است» (۱۳۹۶/۲/۱۹).

معصومه ابتکار معاون امور بانوان ریاست‌جمهوری: «یکی از موضوعات سند ۲۰۳۰ آموزش خودمراقبتی و آموزش لازم جنسی برای کودکان و نوجوانان است، هرچا درباره ضرورت این آگاهی‌بخشی صحبت شد، ادعا کردند سند ۲۰۳۰ است؛ درحالی‌که همین دیدگاه‌های متحجرانه در سال‌های بعد از انقلاب که مانع آگاهی‌بخشی بوده، سبب شده است که امروز میزان آسیب‌های اجتماعی افزایش یابد؛ در صورتی که این آگاهی‌بخشی هم در چارچوب موازین اخلاقی، شرعی و قانونی ما خواهد بود.» (روزنامه/یران: ۱۳۹۷/۹/۱۹).

در ارتباط با خصیصه قدرت در هر یک از این دو گفتمان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) منابع قدرت در گفتمان تربیت جنسی

- مردم متعهد به نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی
- صداوسیما
- رسانه های جریان اصول گرایی و اسلامی
- برخی از نهادهای حکومتی
- حوزه علمی

- بنیان های معرفتی و نظری گفتمان انقلاب اسلامی

ب) منابع قدرت در گفتمان آموزش جنسی

- دولت وقت
 - بدنه اصلی مجلس شورای اسلامی دوره دهم
 - بخشی از بدنه مردم (به ویژه طبقه متوسط شهری)
 - برخی احزاب سیاسی
 - هنرمندان و چهره های فرهنگی و ورزشی
 - رسانه های جریان روشنفکری و دولت
 - رسانه های خارجی
 - روشنفکران و منتقدان اجتماعی- سیاسی
 - مبانی نظری و معرفتی مدرنیته و لیبرالیسم
 - بخش اعظمی از فضای مجازی و شبکه های اجتماعی
- در یک ارزیابی کلی و اجمالی می توان گفت در حال حاضر منابع قدرت و هژمونی گفتمان آموزش جنسی بیشتر است.

نتیجه گیری

حیات جنسی یکی از ساحات مهم زیست انسان است که با ابعاد وجودی دیگر انسان پیوند مؤثری دارد. توجه به این ساحت زندگی انسان همواره به عنوان یک ضرورت تاریخی در قوانین و هنجارهای حاکم بر زندگی اجتماعی بشر وجود داشته است. در شرایط اجتماعی عصر مدرن و نیز وضعیت جامعه ایران، توجه به این عرصه به اقتضای تحولات فرهنگ جنسی، بیش از پیش نمود یافته است. در حال حاضر، در جامعه ایرانی دو رویکرد عمده به مواجهه با امر جنسی وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف ارائه خوانشی گفتمانی از مناقشات این دو رویکرد پیرامون امر جنسی در ایران و صورت بندی مفاهیم و دال های مرکزی و عناصر اصلی این گفتمان ها صورت گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که رویکرد اول با ابتدا بر مبانی دینی، ایده تربیت

جنسی با محوریت اخلاق جنسی را پیگیری می‌کند و مفاهیمی چون هویت جنسی، زنانگی و مردانگی، حجاب و عفت، خویشن‌داری و هدایت‌گریزه جنسی، ازدواج آسان و بهنگام و... را در زیست جنسی جامعه ایرانی بر ساخت می‌کند. استراتژی این گفتمان تربیت جنسی با محوریت ابهام‌زایی و مسئله‌زدایی از امر جنسی در دوران کودکی، نوجوانی تا پیش از ازدواج و ارائه آگاهی جنسی با محوریت خانواده است. رویکرد دوم نیز با ابتدا بر ادبیات لیبرالیستی جامعه بین‌المللی بر ضرورت آموزش جنسی با محوریت دانش و آگاهی جنسی تأکید داشته و دل‌ها و مفاهیمی چون تمایز جنس و جنسیت، تمایز همجنس‌گرایی و همجنس‌بازی، احترام به حقوق اقلیت‌های جنسی، نفی ازدواج کودکان و... را بر ساخت می‌کند. مهم‌ترین استراتژی این گفتمان در مواجهه با امر جنسی، صراحت و ابهام‌زدایی از امر جنسی است.

به نظر می‌رسد هر یک از دو گفتمان یادشده را می‌توان از منظری مورد خوانش انتقادی قرار داد. گفتمان تربیت جنسی اگرچه از منطق درونی مستحکمی برخوردار است، بی‌توجهی یا غفلت از امر اجتماعی در طراحی نظام تربیتی و آموزشی نزد این گفتمان یک آسیب جدی تلقی می‌شود و در شرایطی به ناکارآمدی آن در عرصه اجتماعی منجر می‌شود. گفتمان آموزش جنسی نیز به‌رغم توجه به اقتضائات جامعه جدید و تحولات امر جنسی در دنیای مدرن، در طراحی الگوهای کنش خود به‌شدت فردگراست و جایگاه خانواده هم به‌مثابه غایت و هم به‌مثابه کنشگر اصلی در امر آموزش جنسی و کاهش آسیب نزد این گفتمان نادیده انگاشته شده است. لذا شاید بتوان مدعی شد که ترکیب این دو گفتمان و تلفیق منطق درونی گفتمان تربیت جنسی با تحلیل امر اجتماعی نزد گفتمان آموزش جنسی می‌تواند گزینه جامع و مطلوبی برای مدیریت امر جنسی در جامعه ایرانی باشد.

منابع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). «مفهوم‌شناسی خشونت»، مجله حورا، ش ۱۰، ص ۱۲-۱۸.
- [۳] اعزازی، شهلا (۱۳۸۸). «قوانین مربوط به خانواده، بازتولید خشونت ساختاری علیه زنان است»، مصاحبه با سایت مدرسه فمینیستی مورخه ۱۱/۲۳
- [۴] آقاسی، محمد (۱۳۹۶). *نگرش مردم ایران به ماهواره و میزان مصرف آن*، مرکز افکارسنجی دانشجویان.
- [۵] احسانی، ابن ابی‌جمهور (۱۴۰۵ق). *عوالی‌اللاکی*، قم: انتشارات سیدالشهداء
- [۶] اربلی، علی‌بن‌عیسی (۱۳۸۱ق). *کشف‌الغمه*، تبریز: مکتب بنی‌هاشمی.
- [۷] بستان، حسین (۱۳۸۶). *اسلام و تفاوت‌های جنسیتی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۸] بودریار، ژان (۱۳۸۹). *جامعه مصرفی، اسطوره‌ها و ساختارها*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث.
- [۹] پایدار، ابوالقاسم (۱۳۷۶). *نهج‌الفصاحه*، تهران: جاویدان.

- [۱۰] تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *گفتمان، یادگفتمان و سیاست*، تهران: مؤسسه توسعه علوم انسانی.
- [۱۱] تمیمی، عبدالواحدین محمد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*، قم: تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- [۱۲] حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۳] حراملی، محمدبن حسن (۱۴۱۶ق). *وسایل الشیعه الی تفصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- [۱۴] خلج‌آبادی و مه‌ریار (۱۳۸۹). «نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران»، فصل‌نامه *خانواده‌پژوهی*، ش ۶.
- [۱۵] خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه نور*، تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت امام(ره).
- [۱۶] دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (۱۴۱۲ق). *ارشاد القلوب*، قم: شریف رضی.
- [۱۷] راسل، برتراند (۱۳۸۷). *زناشویی و اخلاق*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: اندیشه.
- [۱۸] راوندی، سیدفضل‌الله (۱۳۶۶). *النوادر*، قم: دارالکتب.
- [۱۹] رجب‌لو، علی؛ اصغری، سارا (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن و بازاندیشی الگوهای دوستی دختران و پسران: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران»، *مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان*، ش ۲۴، ص ۷۳-۹۲.
- [۲۰] سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۳۷۳). *سنن ابی‌داوود*، قم: دارالاحیاء السنه النبویه.
- [۲۱] سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت گفتمان و زبان؛ سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نی.
- [۲۲] سلیمی‌نیا، لیلا و همکاران (۱۳۸۴). «نقش سلامت روان در ظهور رفتارهای پرخطر نوجوانان»، فصل‌نامه *رفاه اجتماعی*، ش ۱۹، ص ۷۵-۹۰.
- [۲۳] سیدرضی، محمدبن حسین (۱۳۸۰). *نهج‌البلاغه*، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: علمی فرهنگی.
- [۲۴] شیخ مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*، قم: کنگره شیخ مفید.
- [۲۵] صادقی‌فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۵). *گفتمان‌ها و خانواده ایرانی: جامعه‌شناسی الگوهای خانواده، پس از مناقشه مدرنیته در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- [۲۶] صدر، محمدباقر (۱۳۷۵). *اقتصادنا*، قم: بوستان کتاب.
- [۲۷] صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۲۸] طباطبایی‌یزدی، سیدکاظم (۱۳۳۷ق). *عروه الوثقی*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- [۲۹] طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). *مکارم/اخلاق*، بیروت: دارالحوراء.
- [۳۰] طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصرخسرو.
- [۳۱] عظیمی و همکاران (۱۳۹۴). «ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های جوانان در همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج»، فصل‌نامه *راهبرد فرهنگ*، ش ۹، ص ۱۷۹-۲۱۲.
- [۳۲] علاسوند، فریبا (۱۳۹۰). *زن در اسلام*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- [۳۳] علی‌تبار و همکاران (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی»، فصل‌نامه *خانواده‌پژوهی*، ش ۱۰، ص ۲۵۵-۲۶۷.
- [۳۴] فروید، زیگموند (۱۳۴۲). *پیدایش روانکاوی*، ترجمه هاشم رضی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی فراهانی.

- [۳۵] فوکو، میشل (۱۳۸۴). *اراده به دانستن*، ترجمه نیکو سرخوش، تهران: نی.
- [۳۶] کانت، ایمانوئل (۱۳۷۲). *اندیشه‌هایی در باب آموزش و پرورش*، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران: دانشگاه تهران.
- [۳۷] کرکندال، لستر (۱۳۳۱). *آموزش جنسی اطفال*، ترجمه مهدی جلالی، تهران: فرانکلین.
- [۳۸] کلهر، سینا (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر اجرای سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.
- [۳۹] کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الکافی*، قم: دارالحدیث للطباعة والنشر.
- [۴۰] گرمارودی و همکاران (۱۳۸۸). *عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان شهر تهران*، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، ش ۹، ص ۱۳-۱۹.
- [۴۱] مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف و نقد آن»، *مجله معرفت*، س ۲، ش ۲، ص ۹۱-۱۲۴.
- [۴۲] مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- [۴۳] محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*، قم: دارالحدیث.
- [۴۴] مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: صدرا.
- [۴۵] _____ (۱۳۸۴). *اخلاق جنسی در اسلام و غرب*، تهران: صدرا.
- [۴۶] نوری طبرسی، حسین‌بن محمدتقی (۱۴۰۱ق). *مستدرک‌الوسایل و مستنبط‌المسائل*، قم: آل‌البیت لاحیاء التراث.
- [۴۷] واعظی، منصور (۱۳۹۲). *وضعیت‌سنجی پوشش و آرایش ایرانیان*، شورای فرهنگ عمومی کشور.
- [۴۸] هندی، علاء‌الدین (۱۴۱۳ق). *کنز‌العمال*، بیروت: مؤسسه الپایان‌نامه
- [۴۹] هوارث، دیوید (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان»، ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی. *فصل‌نامه علوم سیاسی*، ش ۲، ص ۱۵۶-۱۸۳
- [۵۰] یورگنسن، ماریان؛ فیلیپس، لویز (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [51] Anderson. E, (1999). *Decency, Violence, and the Moral Life of the Inner city*. New York: Norton.
- [52] Bancroft, J. (1989). *Human Sexuality and Its Problem*, 2nd, Edinburgh: Churchill Living Stone.
- [53] Berryman JC, Hargreaves D, Herbert M, Taylor A. *Developmental Psychology and You*. London: British Psychological Society.
- [54] Curvino, M. & Fischer M.G. (2014). "Claiming comprehensive sex education is a right does not make it so: a close reading of international law", *New Biotech*. 20(1), p72-98
- [55] Fisher, H.E. (1982). *The Sex Contract: The Evolution of Human Behavior*. New York: William Morrow.
- [56] Foucault, M. (1976). *The history of sexuality, Volume I: The will to knowledge*. Harmon's worth: Penguin Books.
- [57] Goldman, J. D. (2010). The new sexuality education curriculum for Queensland primary schools. *Sex Education*, 10(1), p47-66
- [58] Hayes, I. (1995). Sex education in the early years. *Health Education*, 95(1), p22-27

- [59] Johnson, V.E. (1970). *Human Sexual Inadequacy*, Boston: Little, Brown.
- [60] Jones, T. (2011). *A sexuality education discourses framework: Conservative, liberal, critical and post-modern*. American Journal of Sexuality Education.
- [61] Kontula, O. (2010). "The evolution of sex education and students' sexual knowledge in Finland in the 2000s", *Sex Education*, 10(4),p373-386
- [62] Laclau, E. and Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.
- [63] Lee, Y.M. (2015). Factors related to sexual behaviors and sexual education programs for *Asian-American adolescents*. ANR; 28(3), p222-228
- [64] Mathews, B. (2010). Healthy sexual development: A multidisciplinary framework for research. *International Journal of Sexual Health*. 22(1),p14-19
- [65] Michaelson, K. (2015). *Evaluation of holistic sexuality education: A European Expert Group consensus agreement*. The European Journal of Contraception and reproductive Health Care.
- [66] Pillai, V. K. (1993). "Teenage sexual activity in Zambia: The need for a sex education policy", *Journal of Biosocial Science*, 25 (3), p411-414
- [67] Reis, J. (1989). *An Examination of Young Adolescents' Knowledge of and Attitude toward Sexuality According to Perceived Contraceptive Responsibility*. J Appl Soc Psychology.
- [68] Santrock, J. W. (1997). *Life - Span Development*. McGraw Hill.
- [69] Spence, S.H. (1991). *Psychosexual Therapy: A Cognitive-Behavioral, Approach* Landon: Chapman and Hall.
- [70] Stevens, R. J. (2004). *Why do educational innovations come and go? What do we know? What can we do?* Teaching and Teacher Education, 2
- [71] UNESCO. (2009). *International technical guidance on sexuality education*. An evidence informed approach for schools, teachers and health educators. Paris, France: United nations Educational, Scientific, and Cultural Organization (UNESCO).
- [72] Vincent, M. L. (1987). "Reducing adolescent pregnancy through school-and community-based education", *Journal of the American Medical Association*, 257(24), p 3382-3386
- [73] Whestheimer, R. & Lopater, S. (2002). *Human Sexuality: A Psychology Perspective*, Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
- [74] WHO Regional Office for Europe. (2010). *Standards for sexuality education in Europe*. A framework for policy makers, educational and health authorities and specialists. Cologne: World Health Organization, Regional office for Europe, and Bundeszentrale für gesundheitliche Aufklärung (BzgA) (Federal Centre for Health Education).
- [75] Williams, J. E. (1985). *Appalachian adolescent health education project (AAHEP) evaluation: A study of teen pregnancy in East*.